یک جرعه نور

## عذاب اسرارآمیز قیامت برای چه کسی است؟

**احمد عدالتیان|** در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، بخش دوم سوره مبارک همزه را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «وَ ما أَدْراکَ مَا الْحُطَمَه؛ نارُ اللهِ الْمُوقَدَه؛ الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْئِدَه؛ إِنَّها عَلَیْهِمْ مُؤْصَدَه؛ فِی عَمَدٍ مُمَدَّدَه: تو چه دانی که خردکننده چیست؟ آتش افروخته الهی است که بر دل‌ها راه یابد. آن آتش بر آنان فروبسته شده[و راه گریزی از آن نیست.] در ستون‌هایی بلند و کشیده.»

خداوند متعال در ابتدای سوره، از افراد ثروتمندی سخن می‌گوید که از دیگران عیب‌جویی و فکر می‌کنند مال و ثروت، آن‌ها را بیمه می‌کند؛ کسانی که ثروت جمع می‌کنند و اهل انفاق و بخشش نیستند و سرانجام در آتشی خردکننده خواهند افتاد.

در ادامه سوره، از آتشی سخن گفته می‌شود که ستون‌های بلند آن، راه فرار را بر دوزخیان می‌بندد، اما این آتش، نه‌فقط بر جسم، بلکه بر جان و دل مجرمان نیز نفوذ می‌کند و فکر بشر از درک حقایق آن عاجز است؛ یعنی عذابی که خداوند برای مجرمان درنظر گرفته، ممکن است آتش دنیایی نباشد، بلکه عذابی بر روح و جان گنهکار است که هیچ راه فراری از آن نداشته باشد.

بنابراین عیب‌جویی و طعنه به هر نحو و شکلی، ممنوع و حرام است و با چنین عذاب ناشناخته‌ای، مواجه خواهد بود؛ چه زخم‌زبان غیابی یا حضوری، چه با زبان مستقیم یا اشاره، شوخی یا جدی، کوچک یا بزرگ و حتی مسخره کردن کار و صنعت یا عیب گرفتن از آفرینش و طبیعت.

پس مراقب باشیم که فریب دنیا را نخوریم و به مال دنیا مغرور نشویم؛ زیرا آنان که به‌جای انفاق مال، در فکر جمع و احتکار اموال هستند، باید منتظر عذاب خردکننده قیامت باشند.

صحیفه

## رازهایی که فقط خدا می‌داند

**وکیلی|** بعضی دردهای زندگی را نمی‌توان برای دیگران توضیح داد. شاید بارها خواسته باشیم رنجی را که از یک بی‌احترامی، یک قضاوت نادرست یا یک رفتار ظالمانه کشیده‌ایم، برای کسی تعریف کنیم، اما احساس کرده‌ایم هیچ‌کس عمق آن را درک نمی‌کند، حتی نزدیک‌ترین افراد هم گاهی فقط ظاهر ماجرا را می‌بینند، نه زخمی را که در دل انسان نشسته است. در چنین لحظه‌هایی، انسان بیش از هر چیز به کسی نیاز دارد که بدون توضیح دادن، او را درک کند.

امام سجاد(ع) در دعای چهاردهم صحیفه سجادیه، دعایی که هنگام روبه‌رو شدن با ظلم یا مشاهده ستم می‌خواندند، پس از آنکه خدا را بی‌نیاز از گواهان معرفی می‌کنند، با این بیان به گفت‌وگو با پروردگار ادامه می‌دهند: «وَیَامَنْ لایَحْتاجُ فِی ظُلَامَاتِ أَمْرِی إِلَی إِضَاءَهِ الْمُتَفَکِّرِینَ.» مضمون این فراز چنین است: «ای خدایی که برای روشن شدن حقیقت کار من، نیازی به اندیشیدن و بررسی دیگران نداری!»

ما انسان‌ها برای فهمیدن یک ماجرا، باید سؤال بپرسیم، تحقیق کنیم، حرف دو طرف را بشنویم و شواهد را کنار هم بگذاریم. گاهی هم با وجود همه این بررسی‌ها، باز به نتیجه درست نمی‌رسیم. اما علم خداوند از این جنس نیست. او حقیقت را همان‌گونه که هست، می‌بیند نه آن‌گونه که دیگران روایت می‌کنند.

این نگاه، درس بزرگی برای زندگی امروز ما دارد. بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی از آنجا شروع می‌شود که هرکه فقط روایت خودش را حقیقت مطلق می‌داند. در محیط کار نیز بارها پیش می‌آید که مدیر، براساس گزارش‌های ناقص تصمیم می‌گیرد. همچنین در فضای مجازی، گاهی یک فیلم چندثانیه‌ای یا یک جمله بریده‌شده، باعث قضاوت هزاران نفر می‌شود. ما معمولا با اطلاعات محدود قضاوت می‌کنیم، اما خدا با علم کامل، داوری می‌کند.

این باور، هم آرامش‌بخش است و هم هشداردهنده. آرامش‌بخش است برای کسی که به او ظلم شده است؛ زیرا مطمئن است هیچ بخش پنهانی از رنج او از نگاه پروردگار، دور نمانده است و هشداردهنده است برای کسی که به دیگران ظلم می‌کند؛ زیرا می‌داند که ممکن است بتواند حقیقت را از مردم پنهان کند، اما هرگز از خدا پنهان نخواهد ماند.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «اتَّقُوا اللهَ فِی السِّرِّ کَمَا تَتَّقُونَهُ فِی الْعَلَانِیَه؛ همان‌گونه که دربرابر مردم مراقب رفتار خود هستید، در خلوت نیز از خدا پروا کنید.» زیرا خدا از آنچه آشکار و پنهان است، به یک اندازه آگاه است.

این فراز از دعای چهاردهم، نگاه انسان را از قضاوت مردم به علم بی‌پایان خداوند، تغییر می‌دهد. اگر باور کنیم خدا حقیقت را کامل می‌داند، نه از دیده نشدن خوبی‌هایمان ناامید می‌شویم و نه برای اثبات خود، به هر کاری دست می‌زنیم. کافی است درست عمل کنیم و مطمئن باشیم که هیچ حق و هیچ رنجی در پیشگاه آفریدگار هستی، گم نخواهد شد.

احکام

## حکم فروش کالا با قیمت جدید در بازاری که دچار تورم است

**سمانه رضوانی|** افزایش نرخ تورم، معادلات اقتصادی بازار را به هم ریخته و پرسش‌های شرعی بی‌شماری را مطرح کرده است. یکی از مهم‌ترین این پرسش‌ها، تکلیف فروشنده‌ای است که کالایی را در دوران ارزانی، خریداری کرده است و اکنون نمی‌داند با افزایش قیمت‌ها، آیا مجاز است همان کالا را به قیمت روز بازار عرضه کند؟ این مسئله از دو منظر قابل بررسی است: از یک‌سو، حق مالکیت فروشنده ایجاب می‌کند که بتواند دارایی خود را با هر قیمتی که می‌خواهد، بفروشد؛ ازسوی دیگر، رعایت انصاف و پرهیز از اجحاف در حق خریدار، مهم و ضروری است. لازم است نظر مراجع تقلید را در این زمینه بدانیم.

**آیت‌الله‌العظمی شهید خامنه‌ای:**
اگر عرفا اجحاف (ستم) در حق خریدار محسوب نشود و خلاف قوانین و مقررات مربوط نباشد، اشکال ندارد، ولی بهتر بلکه مستحب است که فروشنده به مقداری از سود که مخارج او را تأمین می‌کند، اکتفا کند.

**آیت‌الله‌العظمی مکارم‌شیرازی:**
نرخ کالا را شخص فروشنده می‌تواند تعیین کند، ولی در این‌گونه موارد، بهتر این است اجناسی را که ارزان خریده‌اند، ارزان بفروشند (با سود عادلانه) و اجناسی که گران می‌خرند، گران بفروشند (با سود عادلانه).

**آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی:**
فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی نباید وانمود کند به قیمت جدید، گران خریده است. درهرصورت، شایسته است مؤمنان نهایت انصاف را رعایت کنند. خداوند تعالی، رزاق است.

بررسی دستورات اهل‌بیت(ع) درباره شیوه نصرت دین خدا و توجه به اولویت‌های روز

# اربعین و اولویت راهبردی امروز

گزارش

**سیدحمیدرضا حسینی‌دانشور| زیارت اربعین در منطق معارف شیعه نه‌فقط یک حرکت عاطفی و آیین جمعی، بلکه نشانه‌ای از ایمان ولایی، حفظ هویت حسینی و اعلام وفاداری به خط امامت است. اما همین شعائر بزرگ، وقتی در متن زندگی امروز قرار می‌گیرد، یک پرسش مهم را پیش می‌کشد: در شرایطی که وظایف دیگری نیز به دوش ماست و تردید در رفتن و ماندن داریم، چه کنیم؟ این متن می‌کوشد با تکیه بر حدیث امام حسن‌عسکری(ع)، به‌عنوان سند محکم زیارت اربعین و بررسی شرایط صدور آن و برخی قواعد روشن فقهی و عقلایی، نشان دهد که اربعین، هم مدرسه عشق است و هم مدرسه تشخیص تکلیف. در این نگاه، ارزش زیارت اربعین محفوظ است، اما نه به بهای غفلت از مسئولیت‌های قطعی امروز؛ زیرا گاهی حضور مؤمنانه در صحنه جامعه، خود معنای دیگری از نصرت اهل بیت(ع) است.**

ویژه اربعین

### اربعین، نماد وفاداری به جبهه حق

زیارت اربعین در کلام امام حسن عسکری(ع) فقط یک عمل مستحب ساده نیست، بلکه از بزرگ‌ترین شعائر حسینی و از نشانه‌های هویت مؤمنانه، معرفی شده است. اینکه حضرت فرمود: «علامات المؤمن خمس: صلاه إحدی وخمسین، و زیاره الأربعین، و التختّم بالیمین، و تعفیر الجبین، و الجهر ببسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: به‌جاآوردن ۵۱ رکعت نماز، خواندن زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم»، نشان می‌دهد که اربعین صرفا یک سفر زیارتی نیست، بلکه به هویت دینی و اجتماعی مؤمن، گره خورده است، از همین‌رو اربعین در فرهنگ شیعه به یک نماد زنده از عشق به امام حسین(ع)، پیوند با امامت و وفاداری به جبهه حق، تبدیل شده است؛ نمادی که باید معنای آن را فهمید، نه آنکه فقط تکرارش کرد.

### حدیثی که در شرایط فشار صادر شد

اهمیت این حدیث وقتی روشن‌تر می‌شود که فضای صدور آن را ببینیم. امام حسن عسکری(ع) در دوره‌ای این زیارت را برجسته کردند که نه‌تنها در قدرت سیاسی نبودند، بلکه در سامرا زیر مراقبت شدید خلافت عباسی زندگی می‌کردند. پیش‌تر نیز، به‌ویژه در زمان متوکل عباسی، فشار بر زیارت قبر امام حسین(ع) بسیار سنگین بود؛ از تخریب قبر و منع زائران گرفته تا تهدید، جریمه و کنترل مسیر کربلا. طبیعتا در چنین وضعی، تأکید بر «زیارت اربعین» نمی‌تواند صرفا یک توصیه احساسی باشد. این تأکید، راهی برای زنده نگه‌داشتن یاد عاشورا، حفظ هویت شیعی، اعلام وفاداری به امامت و مقاومت فرهنگی دربرابر دشمن است، پس، اربعین از آغاز، درکنار بعدمعنوی، یک پیام اجتماعی‌وتمدنی نیز داشته‌است.

### اربعین؛ از مناسک تا مقاومت فرهنگی

از دل همین زمینه تاریخی، می‌توان فهمید که اربعین فقط «رفتن» نیست؛ «ایستادن» هم هست. زیارت اربعین، درواقع، تداوم پیام عاشوراست؛ اینکه مؤمن نباید اجازه دهد یاد امام حسین(ع) در فشارهای سیاسی، فرهنگی یا رسانه‌ای فراموش شود. در این نگاه، زائر اربعین فقط یک مسافر نیست، بلکه حامل یک پیام است. او با قدم‌هایش می‌گوید که حقیقت کربلا زنده است و جبهه حق، خاموش نشده است.

از این‌رو، راهپیمایی اربعین را می‌توان یکی از جلوه‌های مقاومت نرم مؤمنانه دانست؛ مقاومتی که هم عاطفه دارد، هم معرفت، هم هویت. اما همین معنا، ما را به یک نکته مهم می‌رساند: اگر اربعین برای زنده نگه داشتن پیام حسین(ع) است، پس هرجا که حفظ آن پیام در گرو مسئولیت دیگری باشد، باید با همان منطق حسینی تصمیم گرفت.

### «جاماندگان» و شوق زیارت

براساس همین تأکیدها و توصیه‌ها، زیارت اربعین چنان در فرهنگ و مناسک شیعه در سراسر دنیا جاری شد که با آنکه همه‌ساله در ایام میانی ماه صفر، خیل دلدادگان مکتب حسینی، سختی‌های راه را به جان می‌خرند و به شوق زیارت سیدالشهدا(ع) به دل جاده می‌زنند تا بیعت خود را با امامشان تجدید کنند، در سال‌های اخیر، کسانی که این توفیق را پیدا نکرده بودند، خود را «جامانده» خطاب می‌کردند و برای تسلای دل بی‌قرار خود و همراهی و هم‌نوایی با آن کاروان، برنامه‌ها و حرکات نمادینی را شکل داده‌اند.

اما آیا این، واقعا «جاماندن» است؟ آیا همیشه جاماندن و به آن زیارت نرسیدن، خسران است؟ اصلا آیا همیشه باید رفت یا گاهی ماندن و انجام وظیفه‌ای دیگر، خود لبیک به حسین(ع) است؟

### وقتی تکلیف‌ها باهم تزاحم دارند

اربعین، مدرسه تشخیص تکلیف است، نه‌صرفا دعوت به حرکت در یک مسیر، بنابراین اگر در شرایطی، این زیارت با وظیفه‌ای قطعی و مهم‌تر تزاحم پیدا کند، باید به شکل دیگری فهمیده شود؛ خصوصا آنکه در فقه و عقل دینی، هر مستحبی در همه شرایط اولویت ندارد. براساس برخی قواعد مسلم فقهی و نیز تصریح برخی استفتائات، در مواقعی مثل خطر جدی برای جان یا امنیت زائر، احتمال ضرر قابل‌توجه به دیگران، ترک واجب‌های الزام‌آور، ترس از فتنه و درگیری یا حتی غفلت از محتوای اصلی زیارت، توصیه عمومی به سفر مستحب، می‌تواند مقید و مشروط شود. در چنین موقعیت‌هایی، ماندن و انجام وظیفه، نه بی‌توفیقی است و نه عقب‌ماندن از یاد امام حسین(ع)، بلکه گاهی همان «لبیک یاحسین(ع)» به زبان حفظ نظم و امنیت و آرامش و انسجام جامعه، ترجمه می‌شود.

### تکلیف امروز ما

مرور حدیث امام حسن عسکری(ع) و شرایط صدور آن، ما را متوجه این نکته می‌کند که امروز، که پس از ترور ناجوانمردانه آقای شهید ایران، جامعه اسلامی در شرایط تهدید، جنگ و آشوب داخلی یا طراحی دشمن برای برهم زدن امنیت و تسلط بر فضای عمومی کشور قرار گرفته است و رهبر رشیدمان بر ضرورت استمرار حضور میدانی «ملت مبعوث» تأکید می‌کنند، ماندن و پاسداری از آرامش، امنیت و انسجام جامعه و ترجیح آن بر زیارت اربعین، حرکت در همان مسیر است.

اگر پذیرفتیم که یکی از کارکردهای مهم زیارت اربعین، حفظ هویت شیعی، زنده نگه‌داشتن حقیقت عاشورا و نوعی مقاومت دربرابر دشمن است، چگونه می‌توان کسی را که با اخلاص و بصیرت، نرفتن را برگزیده و به نیت انجام وظیفه از این سفر بازمانده است، جامانده از کاروان سیدالشهدا(ع) نامید؟

### افقی تازه در نگاه به اربعین

روشن است که این سخن به هیچ‌وجه به معنای کم‌اهمیت دانستن اربعین یا خدای نکرده طعن و سرزنش زائران و کاستن از اجر عملشان نیست. سخن از تشخیص تکلیف است؛ تکلیفی که گاه با رفتن ادا می‌شود و گاه با ماندن و آنچه در این میانه مهم است، در جبهه و خیمه حسین(ع) بودن است.

این نگاه، اربعین را کوچک نمی‌کند، بلکه معنای آن را عمیق‌تر می‌سازد. در فرازی از زیارت اربعین می‌خوانیم: «وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّه... فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لَا مَعَ عَدُوِّکُمْ: من آماده کمک به شما هستم... با شما هستم؛ با شما، نه با دشمن شما!» این جمله، روح اربعین است؛ آمادگی برای نصرت، بنابراین باید گفت امسال برای برخی یا بسیاری از افراد، ماندن و حضور در صحنه داخلی، برای حفظ امنیت، تقویت روحیه عمومی و ناکام گذاشتن طراحی دشمن، مصداق عملی‌تر «لبیک یاحسین(ع)» است و این، نه ترک فرهنگ اربعین، بلکه فهم درست‌تر از پیام اربعین است.

### یک تکلیف دوگانه

البته این سخن به معنای تعطیل زیارت نیست؛ خصوصا آنکه امسال، الفت ویژه‌ای بین دو ملت ایران و عراق برقرار شد و دنیا شاهد «جلوه‌ای تمام‌عیار از همدلی و اخوت و هم‌مرامی بین این دو ملت» بود و طبیعتا حضور در آن سرزمین، می‌تواند به صدور پیام مقاومت کمک کند.

بنابراین، هرکه شرایطش را دارد و می‌تواند در هر دو میدان نقش‌آفرین باشد، مسئولیتی مضاعف دارد و لازم است عده‌ای درکنار استمرار حضور فعال خیابانی در حراست از ایران عزیز، خود را برای حضور مؤثر در میدان «کنگره عظیم اربعین» نیز آماده کنند؛ به هر نحوی می‌توانند، در کوتاه‌ترین زمان، خود را به خیل زائران برسانند، تجدید بیعت کنند و پس از دعا و زیارت از طرف عموم ملت مبعوث، رزمندگان غیور جبهه مقاومت و به‌ویژه مردم صبور خطه جنوب، بلافاصله برگردند.

### مهم، با حسین ماندن است

زیارت اربعین از برترین شعائر حسینی است، اما ارزش آن زمانی کامل می‌شود که با فهم تکلیف همراه باشد. اربعین، هم دعوت به عشق است و هم دعوت به بصیرت، هم راه کربلاست و هم راه شناخت مسئولیت، پس گاهی رفتن، خدمت است و گاهی ماندن؛ و مهم این است که انسان در هر دو حالت، با حسین(ع) بماند.

**اَللّهُمَّ ارْزُقْنا شَفاعَه الْحُسَیْنِ یَومَ الْوُرود!**

درنگ

## خدا، انسان را تنها نمی‌گذارد

حجت‌الاسلام‌والمسلمین علیرضا وکیلی
فعال فرهنگی

انسان موجودی است که برای رسیدن به سعادت، فقط به امکانات مادی نیاز ندارد؛ او در مسیر زندگی با پرسش‌هایی روبه‌روست که پاسخ آن‌ها، سرنوشتش را رقم می‌زند: از کجا آمده‌ام؟ برای چه آفریده شده‌ام؟ راه درست زندگی چیست؟

عقل و تجربه، نعمت‌های بزرگ الهی هستند، اما به‌دلیل محدودیت‌هایشان، نمی‌توانند همه مسیر را به انسان نشان دهند. خداوندی که انسان را برای رسیدن به کمال آفریده، او را بدون راهنما رها نکرده است. تاریخ انبیا و آموزه‌های اهل‌بیت(ع)، نشان می‌دهد که هدایت الهی همیشه با حضور حجت خدا همراه بوده است؛ از پیامبران الهی تا امامانی که ادامه‌دهنده راه آنان هستند.

### انسان بدون راهنما نمی‌ماند

عقل انسان، توانایی شناخت بسیاری از خوبی‌ها و بدی‌ها را دارد، اما در شناخت همه ابعاد هستی و مسیر رسیدن به کمال، محدود است. انسان ممکن است تحت‌تأثیر خواسته‌های شخصی، فرهنگ‌های نادرست یا تبلیغات گوناگون، حقیقت را اشتباه تشخیص دهد؛ به همین دلیل، خداوند درکنار عقل، چراغ وحی و هدایت الهی را قرار داده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ؛ برای هر قومی، هدایت‌کننده‌ای است.» (رعد، ۷) این آیه نشان می‌دهد که هدایت الهی یک جریان همیشگی در تاریخ بشر است و خداوند، انسان‌ها را در مسیر شناخت حق، بدون راهنما نمی‌گذارد.

### امام؛ ادامه مسیر پیامبر(ص)

با رحلت پیامبر اکرم(ص)، نیاز انسان به هدایت الهی پایان پیدا نکرد. جامعه اسلامی همچنان نیاز داشت کسی باشد که حقیقت دین را بشناسد، آن را از تحریف حفظ کند و مسیر صحیح را نشان دهد. اینجاست که مفهوم امامت، معنا پیدا می‌کند.

امام در نگاه شیعه، پیامبر جدید نیست، بلکه ادامه‌دهنده راه پیامبر و حافظ پیام اوست. همان‌گونه که یک متن ارزشمند برای فهم درست، نیازمند تفسیر آگاهانه است، دین نیز برای باقی ماندن در مسیر اصلی خود، نیازمند امامی الهی است.

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) درباره جایگاه اهل‌بیت(ع) می‌فرمایند: «هِمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ: آنان، جایگاه اسرار الهی و پناهگاه فرمان خدا هستند.»

### جامعه سرگردان، بدون حجت

تجربه تاریخ نشان داده است که انسان‌ها حتی با داشتن منابع دینی، ممکن است در فهم حقیقت دچار اختلاف شوند. حضور امام، تضمین‌کننده تداوم هدایت است؛ زیرا امام کسی است که به سرچشمه معارف الهی، متصل است و راه درست را برای مردم روشن می‌کند.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَ فِیهَا إِمَامٌ: زمین هرگز خالی از امام نمی‌ماند.» این نگاه، نشان می‌دهد که وجود حجت الهی، نشانه رحمت خداوند بر انسان‌هاست.

### مهدی(عج)؛ ادامه همان مسیر هدایت

در نگاه شیعه، زنجیره هدایت الهی با پیامبر اسلام(ص) و اهل‌بیت(ع) ادامه یافت و امروز در وجود حضرت مهدی(عج) امتداد دارد. امام زمان(عج) فقط متعلق به آینده نیست، بلکه حجت زنده خدا در زمان حاضر است. باور به حضور امام، انسان را مسئول‌تر می‌کند. کسی که می‌داند جهان تحت هدایت الهی قرار دارد، تلاش می‌کند خود را برای همراهی با حق آماده کند و در مسیر عدالت و اصلاح قدم بردارد. خداوند، انسان را در این جهان سرگردان و بی‌هدف رها نکرده است. از آغاز آفرینش تا عصر ظهور، یک پیام ثابت وجود دارد: انسان برای رسیدن به حقیقت، نیازمند چراغ هدایت است؛ چراغی که گاهی در قامت پیامبر و گاهی در وجود امام، جلوه کرده است و امروز امید همه منتظران، به طلوع کامل این چراغ در عصر ظهور حضرت مهدی(عج) است.